

شناسنامه طهر



- مهندسی صنایع می خواند.
- در نیمسال دوم دانشگاه به تئاتر علاقه‌مند شد.
- به مرور چیدمان و تنوع تصویرهای سینما جذبش کردند.
- در کلاس‌های کانون سینماگران جوان اسم نوشت و شهرام مگری، کارگردان فیلم ماهی و گربه، استادش بود.
- تصویربرداری، تدوین، نویسندگی و کارگردانی را یاد گرفت.
- در جشنواره‌های دانشجویی شرکت کرد.
- اوایل فکر نمی‌کرد جلو بردن هنر و مهندسی کنار هم سخت باشد، اما کارهای هنری، نوشتن فیلم‌نامه، تحقیق و... وقتش را گرفت و مجبور شد انتخاب کند.
- معتقد است بزرگ‌ترین سبکی که در دوران جوانی برداشته، دل‌کندن از مهندسی بوده.
- کم‌کم به‌وسیله تصویربرداری از هنر به پول رسید و به یک فیلم‌ساز تمام‌وقت تبدیل شد.

فوت تدوینگری

صحنه و توالی آن‌ها باشد و به کمک مدیر فیلم‌برداری اصلاح رنگ کنیم. در نهایت تدوین یعنی پنهان کردن تمام اشتباهات زمان فیلم‌برداری که دیگر فرصت بازگشت به آن‌ها را نداریم.

مثل اشعار سعدی سهل و

ممتنعیم!

در دنیای دیجیتال دسترسی به نرم‌افزارهای تدوین راحت‌تر است. با داشتن یک نرم‌افزار، یک کمی ذهن پویا و خلاق و یک عالمه حوصله و حافظه، همه می‌توانند تدوینگر شوند. اما برای کار حرفه‌ای به استودیو، پرده درست، نور کالیبره، و... نیاز داریم. اینکه شما از چه ابزاری استفاده کنید، بستگی به مرحله‌ای دارد که در آن قرار گرفته‌اید. اما در مجموع در دسترس بودن نرم‌افزارهای تدوین خیلی به افزایش نوآوری و خلاقیت تدوینگران تازه‌کار کمک کرده است.

چرا به تعداد تمام کارگردان‌های ایران فرهادی داریم؟

تا از قبل از دنیای دیجیتال، تدوین یک کار سخت و حرفه‌ای بود. برای بریدن نگاتیو فرصت آزمون و خطا نداشتیم. اما این روزها از دورترین روستایی‌ها تا بچه‌های دل‌شهر همه می‌توانند فیلم بسازند. وقتی چنین امکاناتی داریم، بیشتر باید به فکر ایده باشیم نه تجهیزات.

تا امروز چهار شماره دربارهٔ چم و خم‌های فیلم‌برداری، کارگردانی و مستند صحبت کرده‌ایم. اما چه بلایی باید سر راش‌ها* بیاید تا به ما جایزهٔ بهترین تدوینگر را بدهند؟ نقطهٔ قوت فیلم‌های خوب، به جز فیلم‌نامه، تصویربرداری حرفه‌ای و کارگردانی در چیست؟ در این شماره با امید توتونچی، نامزد جایزهٔ ورشو و کارگردان برگزیدهٔ جشنوارهٔ هامبورگ همراه می‌شویم تا کمی از چم و خم‌های تدوین برایمان بگویند. با ما باشید.

ما کارگردان‌های دوم فیلم...

تدوینگری همان کارگردانی است فقط در مرحلهٔ بعد از فیلم‌برداری. برای تدوین باید با دستور زبان سینما آشنا باشیم. لغات را کنار هم قرار بدهیم تا جمله تشکیل شود و باید حواسمان باشد، جمله‌هایی که می‌سازیم به فیلم‌نامه و تصویر ذهنی کارگردان وفادار بمانند.

تدوینگری یعنی انتخاب. وقتی انتخاب می‌کنیم تدوینگر باشیم، باید روزانه ۱۲-۱۴ ساعت پشت سیستم بنشینیم و ۸۰-۷۰ ساعت داده را در مغزمان نگه داریم تا نهایتاً تدوین (دکوپاژ) درستی برای نمایش نهایی فیلم به‌دست بیاید.

دورنمای به‌خصوصی برای ادامهٔ

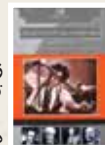
مسیر نداشتیم

خوبی سینما این است که ما در سینما فرصت کشف و شهود داریم. دنبال ایده‌ها و فکرهای جدید هستیم تا روزمرگی را طور دیگری نشان بدهیم. کسی که وارد سینما شده است، به ازای لحظه لحظهٔ زندگی‌اش نماهای متفاوت می‌بیند. شخصیت‌های جدید می‌سازد و در مجموع زندگی‌اش از فیلم‌سازی جدا نخواهد بود. من هم دورنمای خاصی برای مسیر نداشتیم. سینما همیشه همراهم بوده، نه هدفم!

معرفی کتاب



تاریخ سینما
دیوید بور دول، کریستین تامسون
ترجمه: روبرت صافاریان
مرکز، ۱۳۹۴



زیبایی‌شناسی، تاریخ و نظریه‌های
تدوین فیلم
دکتر ضابطی جهرمی
دانشکدهٔ صدا و سیما، ۱۳۸۴

گفت‌وگو با فیلم‌ساز جوان مهدیه میر جلیلی

پرواز در قفس

جشنوارهٔ رشد هر سال با تمام کم و زیادهایش برگزار می‌شود. داوران از دیدن بچه‌هایی که ایده‌های نو دارند، تعجب می‌کنند و بچه‌ها از دیدن آثارشان روی پرده‌های بزرگ سینما خوش حال می‌شوند. صفحهٔ سینمایی رشد برای خوش حال تر کردن شماست؛ برای اینکه چم و خم‌های فیلم‌سازی را یاد بگیرید و بعدتر عکستان در همینجا بیاید. مهدیه میر جلیلی تا چند سال پیش فقط یک دانش آموز معمولی بود، اما حالا جلوی ما نشسته و قرار است از فیلمش «پرواز در قفس» بگوید. شما هم دوست دارید فیلم‌ساز باشید؟ شاید مصاحبهٔ مهدیه میر جلیلی از شهر یزد به دردتان خورد. صفحه را عوض نکنید.

مهدیه خانم از خودت بگو و از اینکه اصلاً چرا سراغ فیلم‌سازی رفتی؟

همه چیز اتفاقی بود. در مسیر خانه تا مدرسه صحنه‌ای دیدم که تصمیم گرفتم درباره‌اش صحبت کنم. من چهارم دبیرستان هستم و در رشتهٔ انسانی درس می‌خوانم. این انسانی بودن به دغدغه داشتیم کمک کرد و بعد از دغدغه‌هایی که داشتیم، فیلم ساختیم.

پس بیشتر به فیلم‌های اجتماعی علاقه داری؟

نه. اگر فقط دربارهٔ علاقه حرف بزنیم، عاشق تخیلات و فیلم‌های فانتزی هستیم. اما احتمالاً در ساخت فیلم‌های اجتماعی توانا تر خواهیم بود.

دوست داری چطور مسائل اجتماعی را روی پرده ببری؟ تفاوت مهدیه با بقیهٔ فیلم‌سازها در چیست؟

سعی می‌کنم بیشتر راوی باشم نه قاضی. مسائل اجتماعی مختلف را به نمایش بگذارم و خودم در القا کردن پیام خیلی حرف نزنم. فکر کنم اگر این طوری فیلم بسازم تأثیر بیشتری هم دارد.

مهدیه فکر نمی‌کنی ساختن فیلم‌های اجتماعی کم کم به سمت

یک کلیشهٔ سیاه ناامید رفته؟

چرا. اتفاقاً ذهن خودم همیشه درگیر این بوده که خیلی ناامید نباشم. نمی‌شود کلاً معضلات را نادیده گرفت، اما می‌توانیم با استفاده از قالب‌های جدید، مثلاً طنز، برای سیاه نشدن فیلم‌نامه‌هایمان تلاش کنیم.

برای فیلم‌سازی شدن آموزش خاصی هم دیدی؟

در دورهٔ فیلم‌سازی «پژوهشکدهٔ خوارزمی» شرکت کردم. دربارهٔ نورپردازی و تدوین اطلاعات به دست آوردم و چون موضوع فیلمم اجتماعی بود، به صورت غیرمستقیم از اطلاعاتی که در دوره‌های روان‌شناسی به دست آورده بودم، استفاده کردم.

فکر می‌کنی نقطهٔ ضعف در ساختن این فیلم چه چیزی بود

که برای فیلم‌های بعدی تکرارش نمی‌کنی؟

دوست داشتم کنترل فیلم دست خودم باشد. تصویر ذهنی من این بود که شبیه کلیشه‌های رایج نباشم. اما به مرور کنترل داستان از دستم خارج شد و یک سرهم‌بندی مثل باقی آثار اجتماعی داشتم. در سری‌های بعد حتماً سعی می‌کنم آغاز و پایان درست‌تری برای فیلمم بگذارم. از پایان این فیلم خودم متنفرم!

در ایران وقتی یک سبک مد شد، همه تکرارش می‌کنند. جسارت رفتن به سمت داستان‌های بومی را نداریم. لوکیشن‌های جدید روی پرده نمی‌آوریم و خلاصه وسواسمان در انتخاب فیلم‌نامه کم است. الان بیشتر فیلم‌ها کپی شده از سبک آقای فرهادی‌اند. به نظر من به‌عنوان یک فیلم‌ساز بهتر است بیشتر زندگی کنیم و در درک روابط بین آدم‌ها حساس تر باشیم.

تدوینگرهای عجیب و غریب

داستان تدوین داستانی عجیب غریب اما تأثیرگذار است. مثلاً اصغر فرهادی برای انتخاب موسیقی متن فیلمش مدت‌ها موسیقی گوش داده و زمانی که به آهنگ دربارهٔ الی رسیده، اسم همان موسیقی را روی فیلمش گذاشته است. تارانتینو، زمان تدوین فیلم «داستان‌های عامه‌پسند»، به عمد یک تدوینگر خانم انتخاب می‌کند تا کمی شاعرانگی به داستان اضافه شود. و در یک فیلم دیگر، بین کارگردان و تدوینگر سر گذاشتن یک پلان درگیری لفظی به وجود می‌آید. در نهایت تدوینگر پلان را می‌خرد تا به کار اضافه کند و همان پلان برگزیدهٔ داستان می‌شود!

اگر می‌خواهید تدوینگر باشید

ببینید

آثار گای ریچی، ایناریتو، سودربرگ، اسپیلبرگ، تارانتینو و کریستوفر نولان، و از بین کارگردان‌های ایرانی، آثار بهروز افخمی، اصغر فرهادی، داریوش مهرجویی و ناصر تقوایی همه وابسته به مونتاژند. البته این آثار جدا از تدوین از لحاظ کارگردانی و ساخت هم واقعاً درجهٔ یک حساب می‌شوند و دیدنشان خالی از لطف نیست.

